

# پشت دعوی اتمی ایران

اقامه دعوا برای ایرانی دیگر

پنجشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۸۹ - ۱۷ ژوئن ۲۰۱۰

Paul Schäfer und Jerry Sommer

Jungewelt.de

برگردان ناهید جعفرپور

توضیح مترجم: ترجمه مقاله حاضر که کار تحقیقی دو نفر از نویسندگان معروف آلمانی است، به هیچ وجه به مفهوم تائید نظرات آنان نبوده و صرفاً هدف آگاهی از بحث‌های مخالف و موافق در باره دعوی اتمی ایران درون روشنفکران اروپا است.

در باره نویسنده: جری زومر ژورنالیست آزاد و محقق مرکز گفتگو‌های بین‌المللی شهر بن آلمان و همچنین یکی از نویسندگان کار تحقیقی زیر در سال ۲۰۰۹ است:

New Chances for a Compromise in the Nuclear Dispute with“)  
(Iran?” 2009).

جی روکه فلر رئیس کمیسیون سرویس امنیتی سنای آمریکا در تاریخ ۵ جون ۲۰۰۸ در زمان علنی شدن گزارش بازرسی در باره جنگ عراق گفت: ” دیوانسالاری آمریکا در ارائه برهان برای یک جنگی دیگر اطلاعات سازمان امنیت را که کاملاً ضد و نقیص بود و بطور واقعی وجود نداشت بعنوان دلیل و مدرک ارائه نمود. نتیجه این شد که مردم آمریکا به جایی کشانده شدند که باور کنند تهدید از سوی عراق بسیار بزرگتر از آنچه است که در واقعیت می‌گذرد”.

در تاریخ ۱۷ ماه مه برزیل، ترکیه و ایران پیمان مشترکی را در باره منطقی که سال‌هاست بر جنگی بی‌شعله در باره برنامه اتمی ایران رهبری می‌کند، ارائه نمودند. در این پیمان ایران اعلام نموده است که ۱۲۰۰ کیلوگرم از ۳٫۵ درصد اورانیوم سبک غنی شده اش را به ترکیه صادر می‌نماید اگر که در عوض مواد سوختی برای رآکتور کوچک تهران به ایران تحویل داده شود.

بدین طریق این شانس وجود دارد که راهی دیپلماسی بر سر دعوی اتمی ایران آغاز گردد. زیرا که این پیمان عمدتاً مطابق است با آنچه که آمریکا، روسیه و فرانسه در اکتبر گذشته در صحبت با ایران خواستار شدند. با این وجود بنظر می‌رسد که آمریکا در این فاصله نظرش را

تغییر داده است و تلاش می کند این پیمان را پیش پا افتاده و یا ندیده بگیرد و در عوض ایران را با تحریم های جدید تحت فشار قرار دهد و به این خاطر هم پیش نویس طرحی جدید به شورای امنیت سازمان ملل ارائه داده است. این طرح تحریمی جدید را که هیچ اقدام تعیین کننده جدیدی را در خود ندارد، قبلا چین و روسیه و فرانسه و بریتانیا و آلمان هم تائید نموده اند. اگر تحریم های جدیدی تعیین شود، چیزی که با توجه به اپوزسیون های موجود در میان اعضای شورای امنیت چون برزیل و ترکیه و موضع بیطرف روسیه و چین نامطمئن به نظر می رسد و اگر توافق میان ترکیه و برزیل به اجرا در نیاید، در این صورت خطر تشنجات بیشتر بر سر دعوای اتمی ایران وجود خواهد داشت.

مسئول این تشنج بخش بزرگی آمریکاست. رئیس جمهور اوباما با وجود سخنرانی اش در باره " مذاکرات بدون تدارکات" و " احترام متقابل" پشتیبانی شده از سوی بریتانیا، فرانسه و آلمان، هیچ چرخش اساسی در مقابل سیاست ایران نسبت به جرج دبلیو بوش نداشته است و همچنان از سوی آمریکا تلاش می شود بجای توافقات همه جانبه قابل مذاکره، موضع حداکثر به کرسی نشانده شود. این مسئله هم در باره تبادل اورانیوم سبک غنی شده ایران در مقابل مواد سوختی برای رآکتور تحقیقاتی تهران و هم در رابطه با مسائل بسیارمهمترغنی سازی اورانیوم در ایران بطور کل صادق است. بجای این در باره تحریم های سخت تر بحث و گفتگو می شود و این تحریم ها بخشا از سوی شورای امنیت و بخشا از سوی ائتلافیون به اجرا در می آید و یک برنامه نظامی بر علیه ایران روی میز قرار می گیرد. طرفداران یک چنین حمله نظامی مجددا هر چه بلند تر به طبل هایشان می کوبند.

اوباما فن بیان دیگری دارد اما سیاستش همان است. این فن بیان برای بیرون آمدن از بن بست که دعوای اتمی ایران در آن گیر کرده است کافی نیست. ادامه سیاست تا کنونی تحریم ها و تهدید به حملات نظامی در هر حال تنها بی راهی ( عدم وجود راه حل) را طولانی نمی کند. بلکه تشنجات را در مقابل ایران و همچنین مجموعه خاور نزدیک و میانه تشدید می نماید. این مسئله همزمان تهدیدی است برای اپوزیسیون دمکراسی خواهانه در ایران که بر علیه فشار و عدم وجود حق بیان و تجمع و... و خودکامگی و استبداد دولتی بپا خواسته است.

## ۱. مواد سوختنی برای رآکتور تحقیقاتی تهران

بعد از مذاکره میان رئیس جمهور ایران و رئیس جمهور برزیل و همچنین نخست وزیر ترکیه این سه کشور در تاریخ ۱۷ ماه مه ۲۰۱۰

برنامه ای را بنام ( پلان ۲ ) برای حل مشکل اتمی ایران توافق نمودند که بر مبنای آن میبایست مشکل مواد سوختی مورد احتیاج ایران برای رآکتور تحقیقاتی تهران حل گردد.

سپس ایران اعلام نمود که ۱۲۰۰ کیلو گرم از ۳،۵ درصد اوران غنی شده در نطنز را در فاصله یک ماه بعد از پایان قرار مدار و مذاکرات به ترکیه صادر خواهد نمود. در آنجا این مقدار اورانیوم انبار می شود تا ایران یکسال بعد ۱۰۰ کیلوگرم مواد سوختی برای رآکتور تحقیقاتی تهران را دریافت نماید.

یک پیشنهاد مشابه هم در اکتبر ۲۰۰۹ بعد از مدتی طولانی در اولین مذاکره کشورهای پنج به اضافه یک ( آمریکا، روسیه، چین، فرانسه، بریتانیا و آلمان) مجدداً با ایران در ژنو ارائه گشت که در پرینسپ تصویب شد.

در اصل موضوع بر سر اقدامات اعتماد انگیز میان تمامی طرفین است - غنی سازی در ایران و خطراتی که غرب احتمال می دهد - .

در هر حال اولین قدم، وارد شدن به مشکل ذکر شده است. تا بدان وسیله عدم اعتماد بسیار زیاد میان طرفین بخصوص میان آمریکا و ایران رفع گردد. امکان ایجاد اعتماد چه از سوی رهبران ایران و چه از سوی آمریکا دیده می شود - حتی اگر از وزنه متفاوت برخوردار است - .

در حالیکه تهران بیش از همه خواهان این است که دلیلی بدست آورد که برنامه اتمی اش چون تا کنون بخصوص از سوی قدرت های غربی کاملاً مورد حمله قرار نگیرد، آمریکائی ها بیش از همه مدرکی می خواهند که ثابت کند ایران اورانیوم غنی شده اش را به واقع برای منظورهای صلح آمیز استفاده خواهد نمود.

عدم اعتماد همچنین علتی بود برای اینکه بعد از توافق اصولی میان ۶ قدرت نظامی و ایران در تاریخ 1 اکتبر ۲۰۱۰ در ژنو، در مذاکرات اولیه در باره جزئیات میان ایران و روسیه و فرانسه و آمریکا در وین توافقی حاصل نشود.

آژانس بین المللی انرژی اتمی بعد از اینکه ایران می بایست ۱۲۰۰ کیلو اورانیوم سبک غنی شده به روسیه صادر کند، نقشه ای را که از سوی روسیه و فرانسه و آمریکا آماده شده بود، ارائه نمود. از روسیه می بایست در خاتمه ۱۹،۷۵ درصد اوران غنی شده برای تولید مجدد مواد سوختی به فرانسه حمل گردد. این مواد سوختی سپس می بایست - بین ۹ تا ۱۲ ماه بعد از صادر شدن اورانیوم سبک غنی شده در ایران - به تهران فرستاده شوند.

فرق اساسی پیشنهاد جدیدی که از طرف برزیل و ترکیه ارائه شده است این است که اورانیوم سبک غنی شده در ترکیه انبار خواهد شد و

ترکیه موظف شده است که آنرا به ایران باز برگرداند اگر که ایران مواد سوختی نگیرد.

در اکتبر گذشته در زمان مذاکرات در وین نماینده ایران همزمان خواهان مبادله اورانیوم سبک غنی شده با مواد سوختی شد. بدون اینکه طرح آژانس بین المللی انرژی اتمی را کاملا رد نماید. پیامد این مسئله این شد که دولت ایران در سیاست داخلی اش بخاطر موضع احتمالی "نرمش" تحت فشار قرار گیرد.

چه از سوی رهبر فرمیست ایران موسوی و همچنین منتقدین احمدی نژاد در جبهه محافظه کاران، آمادگی احتمالی دولت ایران را برای پذیرفتن طرح آژانس بین المللی محکوم نمودند.

موسوی برای مثال توضیح می دهد که طرح آژانس تمامی تلاش های هزاران دانشمند ایرانی را به باد می دهد.

فرمیست ها مطمئنا این نگرانی را هم دارند که یک پیمان بین المللی میان ایران و جامعه بین المللی می تواند به نفع سیاست داخلی احمدی نژاد باشد و به اپوزیسیون ضرر خواهد رساند. همزمان منتقدین به این امر اشاره می کنند که طرح آژانس با توجه به موارد خواسته شده درونش هیچ ضمانتی به ایران نمی دهد که به واقع مواد سوختی به ایران تحویل داده شود. این نگرانی را همچنین دولت ایران دارد و آنهم نه بدون دلیل. زیرا که نه فرانسه و نه آمریکا قبلا و طایفشان را برای تحویل مواد اولیه هسته ای انجام ندادند.

وزیر امور خارجه آمریکا هیلری کلینگتون همین اخیرا مجددا بر علیه بکار افتادن تاسیسات اتمی ای که در بوشهر توسط روسیه ساخته شده صحبت نمود. در این باره نه آمریکا و نه فرانسه قدم جلو نگذاشته و در ماه اکتبر برای تحریم های جدید بر علیه ایران حرکت نمودند. این مسئله در تهران وا همه ایجاد نمود که مبادا حمل مواد سوختی به ایران در آینده قربانی تحریم ها شود.

پایان سال ۲۰۰۹ رهبریت ایران آمادگی خویش را برای تبادل اورانیوم سبک غنی شده با مواد سوختی اعلام نمود اما همچنین خواهان این شد که مبادله همزمان در یک یا چند فرود بر روی سرزمین جمهوری اسلامی ایران صورت پذیرد. افزون بر این بشکل یک اولتیماتوم اعلام نمود که اگر قراری گذاشته نشود از فوریه سال ۲۰۱۰ خود اورانیوم ۱۹،۷۵ درصد غنی خواهد نمود. البته آمریکا و همچنین آلمان و فرانسه هر گونه مذاکره بعدی را رد نمودند. بخصوص آنها خواهان این شدند که ایران باید ۱۲۰۰ کیلوگرم اورانیوم سبک غنی شده را از ایران صادر نماید. دلیل این کار را چنین اعلام نمودند که در غیر این صورت ایران هر زمان از این امکان برخوردار خواهد بود که اورانیوم بالا غنی شده برای بمب اتم تولید کند - از این روی تلاش می شود این

امکان حداقل به لحاظ زمانی عقب بیافتد. زیرا برای تنها یک بمب اتم به عنوان مواد اولیه نیاز به ۱۴۰۰ کیلو اورانیوم سبک غنی شده می باشد. در اکتبر گذشته ایران از ۱۸۰۰ کیلو و فوریه ۲۰۱۰ در حدود ۲۰۵۰ کیلوگرم برخوردار بود و در ماه مه ۲۰۱۰ باید در حدود ۲۴۰۰ کیلو گرم بشود.

بعد از اینکه قدرت های غربی از قبول تنها مذاکره با ایران سر باز زدند، ایران در ماه فوریه هم اعلام نمود که در تاسیسات نطنز اورانیومی را که ۳،۵ درصد غنی می کرد به ۱۹،۷۵ درصد خواهد رساند. این درجه غنی سازی برای تولید مواد سوختی رآکتور تحقیقاتی تهران ضروری است. اورانیوم غنی شده ۱۹،۷۵ درصد هنوز خیلی با اورانیوم ۹۰٪ که برای ساختن تسلیحات اتمی ضروری است فاصله دارد. اگر ایران اورانیوم ۱۹،۷۵ غنی شده را به مواد سوختی برای رآکتور تحقیقاتی تبدیل نکند، با این وجود ابزار اولیه برای تولید یک بمب اتم را دارا می باشد. اگر که واقعا نگرانی در باره تلاش ایران برای دستیابی به تسلیحات اتمی وجود دارد می بایست بلافاصله در مذاکرات با ایران در باره پیشنهادات متقابل ایران مذاکره نمود و ضرورتا پیشنهادات ایران را قبول نمود. فولکر پرتز رئیس بنیاد دانش و سیاست که با دولت آلمان هم نزدیکی دارد (۳) می گوید: " در این باره می توان پیشنهادات ایران را قبول نمود. اما بجای این گذاشته شد که ایران خود به غنی سازی اورانیوم ۱۹،۷۵ درصد بپردازد و بدینوسیله به تکنولوژی دست یابد که اگر بخواهد یک قدم به بمب اتم نزدیکتر شود".

بی شک طرح آژانس بین المللی انرژی که روی آن مذاکرات صورت پذیرفت در مقابل پیشنهاد متقابل آنزمانی ایران از مزیت بیشتر برخوردار بود به صورتیکه طبق آن ایران مدت زمانی طولانی به اندازه کافی اورانیوم غنی شده در اختیار نداشت و بنابراین هیچگاه نمی توانست از این اورانیوم غنی شده مواد اولیه بمب را بسازد. اما از سوی دیگر اولاً این مدت زمان بسیار کوتاه بود - بیش از ۱۲ ماه طول نمی کشید که تهران به ۱۴۰۰ کیلوگرم مرز مجددا دست یابد. دوماً اگر ایران کلاً بمب اتم می خواست - احتمالش ضعیف بود که این قدم را با مقداری از مواد اولیه هسته ای انجام دهد که برای نهایتاً یک یا دو کلاهک اتمی کافی بود. به احتمال قوی ایران منتظر می شد تا اورانیوم بسیار بیشتری برای وقوع خواسته اش در اختیار داشته باشد. با پیشنهاد توافق شده ترکیه و برزیل با ایران یک بستر جدید برای یک راه حل دیپلماسی به وجود آمده. همانطور که از نامه در این فاصله علنی شده اوباما به رئیس جمهور برزیل لولا بر می آید، این پیشنهاد با خواست های ذکر شده اوباما در این نامه تطابق دارد.

(۴) بخصوص اوباما تاکید نموده که: "من با شما موافقم که رآکتور تحقیقاتی تهران این امکان را می دهد که راهی برای دیالوگ در رابطه با نگرانی های پایه ای جامعه بین المللی در باره مجموعه برنامه هسته ای ایران گشوده شود... ما اعتقاد داریم که آمادگی ایران برای خارج کردن ۱۲۰۰ کیلوگرم از اورانیوم سبک غنی شده اش از کشور، اعتماد به وجود می آورد و تشنجات منطقه را بشدت تخفیف می دهد. زیرا که در این صورت ذخیره ایران از اورانیوم سبک غنی شده بسیار تقلیل می یابد... من می خواهم عاجلانه از برزیل تقاضا کنم که به ایران توصیه کند که کدام امکاناتی با این پیشنهاد در رابطه است. اینکه اورانیوم در ترکیه به امانت گذاشته شود تا زمانی که مواد سوختی تولید گردد".

با وجود اینکه برزیل و ترکیه موفق شدند ایران را متقاعد سازند که طبق خواست آمریکا اورانیومش را در ترکیه انبار نماید اما دیوانسالاری آمریکا از پیمان میان ترکیه و برزیل و ایران خوشش نیامده و برای مذاکرات جدید فوراً اعلام آمادگی ننمود. بجای این وی هم مانند متحدین غربی اش انتقاد نمود که ایران آماده نیست در کل غنی سازی اورانیوم را متوقف سازد.

آنطور که پیداست خواست اصلی آمریکا این است که طرح قطعنامه ای که از سوی آنها یک روز بعد از پیمان تهران به شورای امنیت ارائه شده است و خواهان تحریم های جدید بر علیه ایران است به اجرا در آید. افزون بر این ماه ها استدلال از سوی آمریکا که اگر ضروری باشد ایران را توسط تحریم ها مجبور به قبول پیشنهادات معاوضه ای برای رآکتور تحقیقاتی می نمائیم و یا از این حرکت نمودن که ایران به تمامی خواست های آمریکا و جامعه بین المللی تن دهد، همه و همه مطمئناً به فشار سیاسی داخلی ای که به دولت اوباما وارد می شود هم ربط دارد. نه تنها جمهوریخواهان بلکه همچنین بخش های دور دمکرات ها در کنگره اعتقاد دارند که تحریم های دیگر بر علیه ایران خطرناک تعیین کننده می باشند. بر خلاف آنها بنظر می رسد که اوباما و یا بهتر بگوئیم دیوانسالاریش مدتهاست که از بدنبال توافقات اصولی و واقع بینانه گشتن حتی با دشمن دست برداشته اند. در هر حال آرزو این است که واقعا بزودی مذاکرات در باره پیشنهاد ترکیه، برزیل و ایران با آمریکا، روسیه و فرانسه آغاز گردد. همچنین باید در باره مشکلی که در پیشنهاد به آن پرداخته نشده است هم پرداخته اینک با مقدار کمی اورانیوم که تا کنون ایران تا ۱۹,۷۵ درصد غنی ساخته است، چه باید کرد. البته اوباما هم در نامه اش به لولا در باره این مشکل سخنی نگفته است. با این وجود کاملاً درست است که در این باره هم خیلی زود تصمیم گیری شود و راه حلی برایش پیدا نمود.

معاون رئیس‌جمهور ایران و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران علی اکبر صالحی در مصاحبه با فرستنده آمریکائی "ث ب اس" در ماه مارس اعلام نمود که: "اگر آنها امروز بگویند اوکی ما مواد سوختی را تحویل می‌دهیم ما هم آماده خواهیم بود غنی‌سازی را تا ۲۰ درصد متوقف سازیم". ۶

این گفته را باید در مذاکرات مورد امتحان قرار گیرد زیرا که مطمئناً از همه بهتر است که اگر ایران اورانیوم بیشتری را تا ۱۹،۷۵ درصد غنی‌نسازد و مواد اولیه ای را که دارد تحویل دهد. اگر که موفقیت بدست آید و مبادله بر بستر پیشنهاد ترکیه/برزیل/ایران انجام پذیرد، در این صورت شانس‌هایی برای پروسه‌های دیپلماتیک گسترده وجود خواهد داشت. برعکس برقراری تحریم‌های مجدد این دعوا را در یک بن بست عمیق گرفتار می‌کند.

## ۲. تحریم‌ها در بهترین حالت بی‌اثرند و در بدترین حالت زیان‌بارند.

تحریم‌های تا کنونی سازمان ملل بر علیه ایران از همه بیشتر صادرات کالاهائی را به ایران ممنوع نموده است که برای فعالیت‌های هسته‌ای و توسعه موشک‌ها مورد نیازند.

همچنین ممنوعیت مسافرت و بستن حساب‌های بانکی تعدادی از افراد مشخص و برخی شرکت‌ها که چنین فعالیت‌هایی رابطه دارند را هم به این تحریم‌ها اضافه می‌شود. آمریکائی‌ها مدتهاست که سازمان ملل را برای تحریم‌های قوی‌تر مورد فشار قرار می‌دهند. وزیر امور خارجه آمریکا هیلری کلینگتون اوائل سال ۲۰۱۰ خواهان تحریم‌های فلج‌کننده شد اگر که ایران غنی‌سازی را متوقف نسازد.

در حالیکه دولت اسرائیل و جبهه محافظه‌کاران در غرب به این هدف چسبیده‌اند (تحریمات فلج‌کننده)، دولت آمریکا در سازمان ملل مدتهاست از آنجا که تحریم‌های دیگر در شورای امنیت از شانسی برخوردار نبوده‌اند، مجدداً از این هدف پشتیبانی می‌نماید که تحریم‌ها کوچکتر شوند.

این مسئله بخصوص در موضع چین و روسیه که اساساً شک دارند که تحریم‌ها در کل می‌توانند موثر باشند، دیده می‌شود. با وجود این که در این فاصله آنها از پیش‌نویسی برای تحریم‌های دیگر دفاع نموده‌اند. رئیس‌جمهور روسیه برای مثال می‌گوید که تحریم‌ها نباید از وزنه‌ای برخوردار باشند که بر علیه غیر نظامیان باشد. ۷

وزیر امور خارجه روسیه مشخصاً می‌گوید ما می‌خواهیم اقداماتی را در تحریم‌ها برقرار سازیم که وضعیت و استاندارد زندگی مردم ایران

را وخیم تر نسازد.

افزون بر این برزیل و ترکیه اعضای کنونی شورای امنیت هر گونه تحریم جدیدی را بر علیه ایران رد کرده اند. همچنین پیش نویس جدیدی که ۵ قدرت صاحب وتو به شورای امنیت ارائه نموده اند شامل اقدامات "نرم" می باشند. ۹

مهمترین اقدامات ممنوعیت صادرات ۶ نوع از تسلیحات اختصاصی به ایران است. از جمله تانک، هواپیمای جنگی و کشتی جنگی ( ناو و ناوچه) می باشند. در مقابل ضد موشک های ضد هوایی " اس ۳۰۰" روسی دچار چنین ممنوعیتی نگشته است.

از اقدامات دیگر ممنوعیت سفر و بستن حساب بانکی اعضای گارد انقلاب و شرکت های دیگری ( از نوع ۱۰ - ۱۳) می باشد. اینکه چه کسانی دچار این تحریم ها شده اند هنوز در باره اش صحبتی نشده است.

البته اینکه این گونه تحریم ها تا چه حد موثر می باشند در باره اش شک وجود دارد. زیرا که حتی کسی نمی داند که چه اشخاصی از چه نام هائی برای حساب های بانکی خود در خارج از ایران استفاده می نمایند. همچنین تعمیر و دادن مواد سوختی (گازوئیل) به کشتی های ایرانی ممنوع گشته است. البته تنها در این صورت که اطلاعاتی در دست باشد که دلائل کافی برای شک باشد. ( مثلا کالا های ممنوعه را حمل نمایند ( ماده ۱۸)). افزون بر این از تمامی کشور ها خواسته شده است که عملکرد های مالی با ایران را قطع نمایند اگر که دلائلی برای شک وجود داشته باشد که توسط این عملکردهای مالی فعالیت های هسته ای و تکنولوژی های موشکی انجام می پذیرد. ( ماده ۲۱)

همچنین از تمامی کشور ها خواسته شده است که برقراری شعبات جدید بانک های ایرانی را در کشور خود ممنوع سازند اگر که این شک وجود داشته باشد که این شعبات در رابطه با برنامه اتمی قرار دارد. (ماده ۲۳)

تحریم های جدید پیشنهاد شده اگر اصولا به تصویب برسند، می بایست پیامد های اقتصادی محدود داشته باشند. البته انتظار می رود که آمریکا و متحدینش تلاش نمایند که بدین سبب ائتلافی از علاقمندان تحریم اقتصادی به وجود آورند که توسط آن بتوانند تحریم های اقتصادی قوی تری را به تصویب برسانند. مسئله ای که مجددا از سوی وزیر امور خارجه روسیه مورد نقد قرار گرفته است. ۱۰

بله از آنجا که تحریم های تصویب شده از سوی شورای امنیت از سوی تمامی کشورهای جهان انجام نمی شود برای ایران که ده ها سال تجربه تحریم اقتصادی دارد امکانات بسیاری وجود دارد تا تحریم ها

را دور بزند.

بدین وسیله قیمت‌ها در ایران سرسام‌آور بالا رفت. اما با توجه به موضع استراتژیک ایران با ذخایر عظیم نفت و گازش و همچنین و تماس‌های تجاری رشد‌کننده‌اش در خاورمیانه با کشورهای پاکستان، هندوستان، مالزی، چین و روسیه ایزوله اقتصادی ایران شدنی نخواهد بود.

افزون بر این با تحریم‌های جدید احتمالاً همچنین گاردهای انقلاب اسلامی هم قوی‌تر می‌شوند، زیرا که قاچاق اجناس به ایران را کنترل نموده و از آن طریق هم پول زیادی بدست خواهند آورد. البته نمایندگان آمریکا و فرانسه و بریتانیا اشاره می‌کنند که خواست این تحریم‌های جدید این است که ایران را به پای میز مذاکرات بکشانند. ۱۱

البته با اعلام آمادگی ایران برای مذاکرات این منطق باورکردنی نیست. قابل قبول‌تر این است که این هدف و این امید وجود دارد که توسط این تحریم‌ها ایران را مجبور سازند تا از غنی‌سازی اورانیوم دست بردارد. اما احتمال اینکه این تحریم‌ها باعث دسترسی به هدف فوق شود بسیار ضعیف است زیرا که اکثریت به مطلق رهبران ایران به اضافه رهبران فرمیست از جمله موسوی همه خواهان غنی‌سازی اورانیوم می‌باشند.

غنی‌سازی اورانیوم برای آنها به یک سمبل تکنولوژی، پیشرفت و پرستیژ بین‌المللی و استقلال ملی تبدیل گشته است.

حتی امید برخی از سیاستمداران غربی که تحریمات بیشتر باعث تغییر رژیم ایران می‌شود بنظر واقعی نمی‌رسد زیرا که بر عکس رهبران ایران احتمالاً از این تحریم‌های جدید برای موفقیت خود استفاده نموده تا بدینوسیله موقعیت خویش را که تحت حملات شدید قرار دارد قوی‌تر سازند و فضای حرکت اپوزیسیون دمکراسی طلب را تنگ‌تر سازند.

این خود دلیلی است برای اینکه چرا جنبش اصلاح طلب ایران بر علیه تحریم‌های جدید و حمله نظامی حرکت می‌کند. درسپتامبر گذشته میر حسین موسوی رهبر اپوزیسیون اصلاح طلب تحریم‌ها را محکوم نموده و ابراز نمود که این تحریم‌ها ملتی را مجبور به رنج کشیدن خواهد نمود که در هر حال بخاطر رهبران دولتی تاسف‌آورشان به اندازه کافی در رنجند. ۱۲

وی هم چنین بعد از اعلام پیش‌نویس جدید برای شورای امنیت بر علیه ایران گفت "در روزهای گذشته تم تحریم‌ها بر علیه ملت ما مجدداً باب روز شده است. با وجود اینکه ما اعتقاد داریم که این تحریم‌ها بخاطر سیاست خارجی بی‌تدبیرانه و ماجراجویانه دولت ایران به وجود

آمده است، اما ما مخالف تحریم ها هستیم. زیرا که این تحریم ها به شرایط زندگی ملت ایران لطمه می زند. ۱۳

همچنین شیرین عبادی برنده جایزه صلح اخطار می دهد که " ما بر علیه حمله نظامی و تحریم می باشیم زیرا به مردم ایران لطمه می زند". ۱۴

ابولحسن بنی صدر اولین رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب ۱۹۷۹ که امروز در پاریس در میان سیاستمداران اپوزیسیون ایران در تبعید زندگی می کند می گوید: " تحریم ها برای ایران مفید نیستند زیرا که خطر یک بحران بین المللی برای رژیم ایران تنها برهان باقی مانده است تا توسط آن قدرت استبدادیش را مشروعیت بخشد". ۱۵

تحریم های مجدد شورای امنیت بر علیه ایران تنها تاثیرات منفی بر سیاست ایران نداشته و تنها باعث قدرت دولتمردان ایران نمی شود ( انطور که اپوزیسیون ایران ابراز نگرانی می کند) بلکه همزمان دری را هم برای مذاکرات دیپلماسی باز می کنند. دولت ایران تهدید می کند که آمادگی خویش را برای معاوضه اورانیوم سبک غنی شده با مواد سوختی برای رآکتور تحقیقاتی تهران بر اساس پیمان با ترکیه و برزیل پس خواهد گرفت اگر که سازمان ملل تحریم های جدید بر علیه ایران بر قرار سازد. این خود باعث می شود که راه حل های دیپلماسی برای حل دعوی اتمی ایران منتفی گردد و مجددا شعله های آتش در واشنگتن شعله ور تر گردد. زیرا که شدت دادن به تشنجات و ناموفقیت های قابل پیش بینی تحریم های مجدد تغذیه ای خواهد بود برای این نظریه که می بایست از راه حل نظامی بر علیه ایران استفاده نمود تا به ایران فشار آورد دست از غنی سازی بردارد. از تمامی ایت دلائل ذکر شده نتیجه می گیریم که: بهتر این است که از تحریم های مجدد بر علیه ایران فاصله گرفت.

### ۳. خطر ایرانی - اوراق دوباره و اطلاعات غلط

روزانه سیاستمداران غربی و بدنبال آنان رسانه های جمعی غربی اعلام می کنند که " ایران تلاش دارد بمب اتم بسازد" اما دلائل برای این حکم هنوز مشخص نیست. با توجه به تجربه های اطلاعات غلط یا بخشا جعلی بنام " دلائل اثباتی" برای یک حمله نظامی آمریکا به عراق، نباید مجددا در یک چنین تله ای گیر کرد و مجددا اسیر چنین اشتباهی شد و سریعاً تصمیم گرفت. مطمئناً نباید از این سؤال هم

صرف نظر نمود که آیا رهبران ایران سال هاست تلاش برای داشتن تسلیحات اتمی می کنند؟ با توجه به این واقعیت که قدرت نظامی آمریکا که در خاورمیانه و همچنین در سراسر جهان تسلط دارد ایران را بعنوان دشمن خود می داند و مرتبا با حملات نظامی تهدید می کند، بنابراین تلاش ایران برای بدست آوردن تسلیحات اتمی تحت نام دلائل امنیتی قابل تصور می باشد.

این مسئله بخصوص با توجه به رفتار متفاوت آمریکا با " دشمنان دیگر" قابل تصور تر می باشد؛ حمله نظامی به افغانستان و عراق که از تسلیحات اتمی برخوردار نبودند و عدم تهدید و حمله نظامی به کره شمالی که از تسلیحات اتمی برخوردار است.

البته در میان محافظه کاران تند روی ایران صداهائی هم وجود دارد که برای بمب اتم ایرانی بعنوان بهترین محافظ در مقابل حملات نظامی آمریکا حرکت می کنند. ۱۶

### حمله نظامی، ایجاد ترس یا محدودیت

در آمریکا مجددا آراء برای حمله نظامی به ایران افزایش یافته است. همچنین از سوی دیوانسالاری اوباما هم مجددا بطور رسمی اعلام شده است که گزینش هائی پیش روی قرار دارند. اما با این وجود در حال حاضر هنوز چه از سوی دولت اوباما و چه از سوی ارتش آمریکا و یا متحدین اروپائی یک گزینش نظامی جدی دنبال نمی شود. زیرا که چین و روسیه و کشورهای دیگر مخالف می باشند.

پشت این مسئله مسلما تنها قرار گرفتن آمریکا در دوجنگ کنونی افغانستان و عراق نیست بلکه در این فاصله مشخص شده است یک حمله نظامی به ایران و یا حمله نظامی به تاسیسات اتمی ایران تنها منافع حداقل و پیامدهای تعیین کننده منفی دنبال خواهد داشت.

برنامه اتمی ایران می تواند برای چندین سال به عقب بیافتد اما با این حال می توان از این حرکت نمود که در ایران قدرت هائی تسلط را بدست خواهند گرفت که بمب اتم ایرانی را در یک فاصله زمانی کوتاه توسعه دهند. همزمان در صورت حمله نظامی می توان با ضد حمله ایران به تاسیسات آمریکا در منطقه و همچنین حمله به اسرائیل و بستن تنگه هرمز حساب نمود. در این صورت صدها هزار کشته بجای خواهند ماند و اقتصاد جهان بشدت تحت تاثیر قرار خواهد گرفت زیرا که قیمت نفت می تواند به دوبرابر برسد. به چهره بین المللی آمریکا و کسانی که حمله به ایران را یاری می کنند بخصوص در جهان اسلام خسارت های مانا و عمیق خواهد رسید. در آن صورت ایجاد صلح در خاورمیانه مشکل خواهد شد و همچنین روند ثبات در عراق و افغانستان

با مانع برخورد خواهد نمود.

حتی اگر حمله تنها از جانب اسرائیل باشد بدون کمک آمریکا و همچنین شرکای ائتلافی آمریکا که فضای هوایی منطقه را کنترل می کنند امکان پذیر نخواهد بود. اگر خواسته شود که دولت اسرائیل را از یک حمله خودمختارانه متوقف ساخت، در این صورت آمریکا باید کار دیگری نکند جز اینکه به آنها روشن علامت دهد که به هواپیماهای آمریکائی/اسرائیلی ای که در مسیر ایران پرواز می کنند در فضای هوایی عراق یا ترکیه شلیک خواهد نمود.

به لحاظ سیاسی آنچه که کمک می کند طبیعتاً این است که اتحادیه اروپا و یا بهتر بگوئیم کشورهای عضو اتحادیه اروپا، به اسرائیل علناً و روشن در باره یک حمله ضد مردمی بر علیه ایران اخطار نمایند. با توجه به "ضررهای" آشکار یک حمله نظامی بر علیه ایران، در باره استراتژی های ترس برانگیز و محدودکننده به عنوان آلترناتیو ممکن بحث و گفتگو می شود و بخشاً به آن عمل می گردد. ۱۷. بی شک حتی اگر ایران دارای بمب اتم باشد از آن برای ترساندن استفاده خواهد نمود زیرا اگر که بخواهد با آن به تل آوید یا برلین و یا واشنگتن حمله کند این کار چیزی دیگر جز خودکشی نخواهد بود.

رهبریت جمهوری اسلامی ایران از کسانی تشکیل نشده که بخواهند خودکشی نمایند بلکه بالاترین هدف آنها این است که سیستم خود را حفظ کنند. حتی اسرائیل هم این را می داند. آهود باراک وزیر دفاع اسرائیل می گوید: "من فکر می کنم که ایرانی ها حتی اگر بمب هم داشتند آنرا به سوی همسایگان نشان پرتاب نمی کردند. آنها دقیقاً می دانند که این کار چه پیامدهائی دارد. آنها تندرو هستند اما نه اینقدر دیوانه. ۱۸

همچنین زیپگنیو برزنزسکی مشاور امنیتی اسبق آمریکا می گوید: ایرانی ها شاید خطرناک و ریاکار باشند اما در تاریخ آنها چیزی وجود ندارد که نشان دهد آنها اهل خودکشی باشند." ۱۹.

جان آبی زیاد ژنرال آمریکائی و مسئول خاورمیانه آمریکا در فاصله سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ می گوید: "این اعتقاد نظامی من است که می توان ایران را ترساند." ۲۰.

همچنین این امکان بعید است که ایرانی اتمی عکس العملی روی منطقه بگذارد که کشورهای دیگر هم تلاش کنند خود تسلیحات اتمی بسازند. ترکیه که غالباً بعنوان کشوری شناخته شده است که می خواهد تسلیحات اتمی داشته باشد (البته تاکنون از طرف خود ترکیه اعلام نشده است که چنین قصدی دارد) کشور همسایه ای است که رابطه خوب با ایران

دارد و همین اخیرا رئیس جمهور آن اردوگان تلاش موفقیت آمیز برای واسطه بر سر تبادل اورانیوم ایران نموده است و ضمنا عضو ناتو است و زیر چتر اتمی آمریکا قرار دارد. نه ترکیه و نه کشورهای عربی چون عربستان سعودی و مصر با توجه به تهدیدات اسرائیل، خود تلاش برای دستیابی به برنامه تسلیحات اتمی ننموده اند. معلوم نیست که آنها بخاطر تسلیحات اتمی ایران خود را مورد تهدید بدانند و حتی اگر این چنین باشد آنها زیر چتر اتمی آمریکا قرار دارند. پیشرفت های آسیای جنوبی هم نشان می دهد که در آنجا هم چنین موردی وجود ندارد. در آنجا کره شمالی سال هاست که مواد اولیه برای تولید تسلیحات هسته ای دارد بدون اینکه برای مثال در کره جنوبی یا ژاپن رقابتی را برای تولید بمب اتم به وجود آورده باشد.

پیامد های سیاسی منطقه ای و جهانی برای تسلیحات اتمی ایرانی با این وجود منفی است و صد درصد بی ثباتی بیشتری را در منطقه ایجاد می کند.

ایجاد وحشت هسته ای بعنوان استراتژی احتمالی بر علیه یک ایران اتمی در حال حاضر هنوز در حد تئوری است. زیرا ایران بمب اتم ندارد و سال ها برای تولید آن وقت نیاز دارد و حتی اگر امروز رهبریت ایران تصمیم بگیرد بمب اتم بسازد در مقابل اقدامات متداول وحشت بر انگیز برای مسلح نمودن منطقه از سوی آمریکا با مدرن ترین تسلیحات در جریان است. پاکت تسلیحاتی به تصمم دولت بوش بر می گردد که طبق آن تا سال ۲۰۱۷ سیستم تسلیحاتی به ارزش ۲۰ میلیارد دلار به عربستان سعودی و کشورهای کوچک خلیج هم مرزش از سوی آمریکا فروخته خواهد شد. همزمان آمریکا نقشه دارد به مصر در همین فاصله زمانی تسلیحات به قیمت ۱۳ میلیارد دلار و به اسرائیل حتی به قیمت ۳۰ میلیارد دلار هدیه کند. این مسلح شدن این چنین استدلال می گردد که با یک ایران از قرار توسعه طلب بشکل نظامی روبرو شد. این چنین دولت های عربی از توسعه تسلیحات اتمی باز داشته شدند و باز هم این چنین اسرائیل را آرام نمودند و بدین وسیله از یک حمله نظامی بر علیه ایران توسط اسرائیل جلوگیری نمودند. ۲۱

برای این منظور از سوی آمریکا در حال حاضر در چهار کشور قطر، بحرین، امارات متحده عربی و کویت هر کدام دو سیستم موشک ضد هوایی پاتریوت مستقر شده است. در عربستان سعودی و اسرائیل موشک های پاتریوت آمریکائی موجود می باشند. طبق گفته داوید پتروس ژنرال آمریکائی موشک های ضد هوایی در اطراف خلیج فارس هم مستقر می باشند. ۲۲.

تهران باید این استراتژی نظامی آمریکا را در منطقه باور کند.

مسلح شدن منطقه خاورمیانه با موشک های ضد هوایی و سایر تسلیحات تنها برای مقاصد دفاعی استفاده نمی شود. این سیستم همچنین می تواند مورد استفاده قرار گیرد اگر آمریکا بخواهد به ایران حمله کند. از سوی دیگر همانطور که اوباما در کنگره آمریکا گفته است تمامی گزینه ها روی میز قرار دارند.

## ۵ . سیاست غرب در باره ایران و توسعه دموکراسی در ایران

سیاست آمریکا و دیگر دولت های غربی تحت تاثیر تحولات داخلی ایران قرار دارد. آمریکائی سال هاست که تغییر رژیم در ایران را ترجیح می دهند. وقایع به هنگام و بعد از انتخابات ریاست جمهوری جون ۲۰۰۹ در ایران کاملا روشن نمود که بخشی از مردم ایران در شکل اپوزیسیون سبز برای برقراری دموکراسی در کشور حرکت می کنند. البته نباید نادیده گرفته شود که بخش اعظمی از این اپوزیسیون سیستم جمهوری اسلامی را در پرنسپ زیر علامت سؤال نمی برد. اما همچنین این واقعیت ناگفته نماند که رئیس جمهور ایران احمدی نژاد به هیچ وجه بخش اعظمی از مردم ایران را نمایندگی نمی کند اما با وجود اینکه دستگاه قدرت بعد از انتخابات ضعیف شد و با وجود اینکه میان خود محافظه کاران هم اختلاف عقیده وجود دارد اما واقعیت این است که جلوی در هم فعلا یک انقلاب وجود ندارد. برای این منظور هنوز طرفداران احمدی نژاد در میان مردم قوی است و دستگاه قدرتی بسته و اپوزیسیون ضعیف. ۲۳

محدودیت و یا بهتر بگوئیم عدم وجود آزادی های عقیده و تجمع، دستگیری های منتقدین، حرکات وحشیانه و خشونت بار بر علیه تظاهرکنندگان و اعدام ها در ایران محکوم می باشد. اما با این وجود این ایرانی ها هستند که باید در باره آینده کشورشان تصمیم بگیرند. تغییر رژیم از خارج حال چه بصورت غیر نظامی و چه بصورت نظامی توسط آمریکا و کشورهای دیگر و یا به رهبری آنها نه اخلاقا پایدار خواهد ماند و نه سودمند خواهد بود. بر عکس هرگونه پشتیبانی مستقیم یا پنهانی این کشور ها از اپوزیسیون کمک به تقویت موقعیت دستگاه قدرتی ایران می نماید. هر کسی که به برقراری دموکراسی در ایران علاقمند است باید هر کاری انجام دهد تا موقعیت بین المللی ایران از تشنج بدور باشد. هر گونه شدت دادن به تشنجات در مناسبات بین المللی پیامدیش اقدامات مجدد ضد دموکراتیک در داخل کشور و ضعیف شدن اپوزیسیون دموکراسی طلب می باشد. از سوی جرج بوش برنامه ای برای عملیات سری بر علیه ایران شکل گرفت که این برنامه از سوی رئیس جمهور اوباما پس گرفته نشد.

در سپتامبر ۲۰۰۹ بعد از اینکه اوباما خدمتش را آغاز نمود، ژنرال آمریکا پتروس که فرمانده آمریکا برای خاورمیانه است یک امریه را در باره گسترش عملیات سری نیروی نظامی آمریکا امضا نمود که در آن عملیات اختصاصی در ایران هم قید شده. ۲۴

بدینوسیله می بایست اطلاعات در باره برنامه هسته ای ایران جمع آوری گردد که طبق جمع بندی نیورک تایمز" این اطلاعات می بایست برای حمله نظامی آینده سودمند باشند". ۲۷

یک چنین برنامه ای برای عملیات سری آمریکا درست بمانند تهدید به حمله نظامی و تحریم های اقتصادی مجددی می باشند که مستقیم یا غیر مستقیم به مردم ایران ضربه زده و هدیه ای هستند به دستگاه قدرتی ایران و ضربه هائی خواهد بود بصورت اپوزیسیون دمکراسی خواه ایران. ۲۸

#### ۶. اهداف حقیقی برای مذاکرات اتمی

توافق در باره مبادله اورانیوم سبک غنی شده با مواد سوختی برای رآکتور تحقیقاتی تهران این شانس را می دهد که مشکلات اساسی دعوای اتمی به شکل دیپلماسی حل گردد.

البته برای این منظور بیش از همه آمریکا باید سیاستش را تغییر دهد. هدف تا کنونی جامعه بین الملل این بوده است که ایران غنی سازی اورانیوم را در کل تعلیق سازد. در قطعنامه های شورای امنیت هم همین مسئله خواسته شده است. همچنین ۶ قدرت آمریکا، روسیه، چین، بریتانیا، فرانسه و آلمان هم یک چنین فرموله ای را به ایران پیشنهاد نموده اند.

تعلیق غنی سازی اورانیوم ایران حتی بعنوان یک پیش شرط برای آغاز مذاکرات فرمالیته خوانده شده است. در این هدف و همچنین در این پیش شرط تغییری به وجود نیامده است - بر خلاف آنچه که اوباما بیان نموده است مبنی بر " دیالوگ بدون پیش شرط".

با وجود برخی از مشکلات تکنیکی ساختمان رآکتور غنی سازی اورانیوم در نطنز در حال پیش روی است. غنی سازی اورانیوم تحت مراقبت آژانس بین المللی انرژی اتمی در حال اجراست. تا کنون آژانس بین المللی انرژی اتمی همواره تائید نموده است که از این رآکتور هیچ مواد اولیه هسته ای برای مقاصد دیگر تولید نشده است. همچنین حتی اگر هدف این باشد که در مجموعه خاورمیانه و نزدیک هیچ غنی سازی اورانیوم - همچنین هیچ رآکتوری اتمی ساخته نشود، این هدف دیگر قابل دسترس نخواهد بود چون ایران غنی سازی اورانیوم را چه مدتی

مشخص و چه اساسا کنار نخواهد گذاشت. با این واقعیت باید کنار آمد و از این روی بدنبال بهترین راه حل گشت. این راه حل می تواند از یک سوی به جامعه بین المللی یک اعتماد دراز مدت بدهد که ایران بمب اتم نمی سازد و از سوی دیگر شرایطی را فراهم کند تا ایران برنامه اتمی غیر نظامی منطبق با پیمان عدم گسترش تسلیحات اتمی را به پیش برد و به لحاظ نظامی مورد تهدید قرار نگیرد.

مسئله تکنیکی این توافق احتمالی می تواند در این باشد که برنامه اتمی ایران بطور گسترده تا آنجائی که ممکن است تحت کنترل بین المللی قرار بگیرد. در باره کنترل تا کنونی رآکتور های هسته ای ایران توسط آژانس، تائید و استفاده از پروتکل مکمل آژانس توسط ایران خواسته شود. به این مسئله حق گسترده نظارت اضافی وابسته است. ایران این پروتوکل مکمل را برای مدتی آزادانه استفاده نمود و مجددا آمادگی خویش را اعلام داشت آنرا مورد تائید قرار خواهد داد اگر که پیش شرط های سیاسی مطابق با آن وجود داشته باشند. از این گذشته باید تلاش شود که ایران بجای اینکه چون تا کنون تحت نظر تنها عالیجنابان ملی از رآکتورهای غنی سازی اورانیومش استفاده کند، در فضای یک پیمان بین المللی اینکار را انجام دهد. زیرا که یک چنین مدل موانع تکنیکی اضافی و یا بهتر بگوئیم زمان اخطار بیشتری برای جامعه بین المللی در صورت یک تلاش احتمالی برای گسترش اتمی ایران با خود همراه خواهد داشت.

در این رابطه توماس پیکرینگ معاون وزیر اسبق امور خارجه آمریکا در زمان بیل کلینگتون به همراه ویلیام ویلام سفیر آمریکا و جیمز والش دانشمند پیشنهادی را ارائه دادند. ۲۹

همچنین ایران مجددا توضیح داد که وی آماده است برنامه اتمی اش را از طریق یک پیمان با کشورهای دیگر متوقف سازد. ۳۰

در مذاکرات باید امتحان شود که ایران تا چه حد یک چنین پیشنهادی را برای یک کنترل گسترده فعالیت های اتمی اش جدی می گیرد. افزون بر این باید قابل توجه باشد که در این رابطه شکاف های واقعی از یکسو در میان رهبریت ایران و همچنین میان رهبران آمریکا و از سوی دیگر میان اپوزیسیون سبز و مردم ایران وجود دارد. زیرا که طبق یک همه پرسی سال ۲۰۰۹ در حدود ۷۲٪ ایرانی ها گفته اند که اگر کمک تکنولوژی گسترده کشورهای دیگر برای برنامه اتمی ایران بعنوان عمل متقابل وجود داشته باشد، حق بازرسی گسترده و همچنین ضمانت برای اینکه دولت ایران بمب اتم نسازد و یا نداشته باشد را ترجیح می دهند. ۳۱

## ۷. سیاست تنش زدائی بجای ایزوله کردن

در تاریخ تا کنونی همواره تلاش برای بدست آوردن تسلیحات اتمی از این جهت صورت گرفته است که تهدید مشخصی وجود داشته است. رهبران کشورهایی که یک چنین تصمیماتی را گرفته اند و یا مردمی که چنین اقداماتی را پشتیبانی نموده اند در مرحله نخست بالا رفتن امنیت کشورشان را مورد نظر داشته اند - در حالیکه باید دید که تا چه حد از طریق تملک تسلیحات اتمی به واقع می توان امنیت یک کشور را بالا برد و یا برده شده است.

همچنین در ایران هم کسانی که تملک تسلیحات اتمی را ترجیح می دهند - و آنهایی که از طیف رهبران کشور نیستند - در مقابل تهدیدات از همه بیشتر آمریکا خواهان داشتن تسلیحات اتمی هستند. ۳۲ یک چنین امیدها و نگرانی هایی را نیمی از ایرانی هایی که داشتن بمب اتم را برای کشورشان ترجیح می دهند دارند.

در باره نگرانی امنیت دولت و یا بهتر بگوئیم سیستم کنونی جمهوری اسلامی ایران، تجربیات تاریخی با آمریکا وجود دارد ( براندازی دولت انتخابی ایران توسط سیا در سال ۱۹۵۳، پشتیبانی از عراق در زمان جنگ ایران/عراق، قرار دادن ایران در محورهای شر توسط جرج بوش، بحث تغییر رژیم در آمریکا و همچنین مسلح نمودن کنونی منطقه و باز هم تهدید به حمله نظامی در واقع همه اینها برای جمهوری اسلامی کافی است.

دقیقا با این پیش زمینه احساس به تهدید تهران بهترین بستری خواهد بود تا در مقابل جاه طلبی های اتمی موجود ایران موثر بود و از چشم اندازهایی جلوگیری نمود تا بدین وسیله برچنین تصورات رهبران ایران و برگزیدگان دولتی ایران فائق شد.

برای اینکه این احساس به تهدید ایران را حنثی نمود، بجای ایزوله کردن و مقابله باید سیاست تنش زدائی را پیش برد. کافی است که مجددا منطق " هم جواری مسالمت آمیز" را بخاطر بیاوریم. چیزی که در رابطه با مناسبات با ایران برای مثال چند سال پیش از سوی وزیر امور خارجه روسیه پیشنهاد شد.

در این رابطه آمریکا مسئولیت خاص دارد. البته این تنها زمانی می تواند کمک کند که همچنین شرکای ائتلافی آمریکا هم در این مسیر حرکت کنند. یک چنین تغییر استراتژی به سوی سیاست تنش زدائی در مقابل ایران می بایست؛ ضمانتی از سوی آمریکا باشد که به ایران حمله نخواهد نمود.

عادی سازی رابطه میان آمریکا و ایران مسلما به مفهوم به رسمیت شناختن مناسبات متقابل دیپلماتیک و هم چنین آمادگی برای برداشتن

ده ها سال تحریم های قدیمی و همه جانبه آمریکا در مقابل ایران است. پیرو این سه نکته باید پیشنهاد ۶ قدرت به ایران برای حل دعوی اتمی بطور اساسی گسترش داده شود تا بدین وسیله به واقع یک تشویقی برای ایران باشد که رد و بدل حداکثر کنترل بین المللی برنامه اتمی اش را قبول نماید.

طبیعتاً تنش زدائی همیشه باید دو طرفه باشد. مطمئناً این هم درست است که تندرویان در تهران پیشنهاد تنش زدائی اساسی را می توانند رد نمایند زیرا که آنها عقیده دارند که این تنش ها سیاست داخلی شان را تقویت خواهد نمود و آنها از این وضعیت سود خواهند برد. اما این امکان را هم باید باز گذاشت که رهبریت ایران سیاست تنش زدائی همه جانبه را قبول نماید.

Zit. nach: CNN v. 5.Juni 2008: «Senate report slams Bush 1  
over prewar intelligence  
». 2 «Joint Declaration of the Ministers of Foreign Affairs of  
Turkey, Iran and Brazil»,  
17. Mai 2010; veröffentlicht vom Außenministerium der Türkei;  
[http://www.mfa.gov.  
tr/17\\_05\\_2010-joint-declaration-of-the-ministers-of-foreign-  
affairs-of-turkey\\_-iran-andbrazil\\_.  
en.mfa](http://www.mfa.gov.tr/17_05_2010-joint-declaration-of-the-ministers-of-foreign-affairs-of-turkey_-iran-andbrazil_.en.mfa)

Volker Perthes, «Jenseits des Atomstreits»; in: «Frankfurter 3  
Allgemeine Sonntagszeitung  
» v. 7. März 2010. 4 Vgl. Brief von Obama an Lula vom 20.  
April 2010, veröffentlicht  
in:

<http://www.politicaexterna.com/archives/11023#axzz0pB5f30CQ>.  
Folgende Zitate

ebd. 5 Zit. nach: «NIAC Memo: Iran's Nuke Deal Irritates  
Washington», v. 18. Mai. 2010;  
[http://www.niacouncil.org/site/News2?page=NewsArticle&id=6513&  
security=1&n](http://www.niacouncil.org/site/News2?page=NewsArticle&id=6513&security=1&news_iv_ctrl=-1)

ews\_iv\_ctrl=-1 6 «CBS News Interview with Ali Akbar Salehi»,  
Teheran, 13. April 2010;  
«Full Transcript: Chief of Iran's Atomic Energy Organization  
Speaks to Elizabeth Palmer in

Tehran»;

<http://www.cbsnews.com/stories/2010/04/13/world/main6390463.shtml>

Zit. in Ria Novosti vom 1. März 2010: «Iran sanctions 7 possible, should be wise, balanced – Medvedev»; <http://en.rian.ru/world/20100301/158056916.html> 8

Zit. nach: RIA Novosti vom 25. Februar 2010: «Russia's Lavrov says no proof Iran working on nuclear weapons»; <http://en.rian.ru/russia/20100225/158000894.html> 9

UNSC Draft Resolution «Iran Resolution Elements»; veröffentlicht in: [http://isis-online.org/uploads/isis-reports/documents/UNSC\\_Iran\\_resolution\\_19May2010.pdf](http://isis-online.org/uploads/isis-reports/documents/UNSC_Iran_resolution_19May2010.pdf) 10

«Solche unilateralen Sanktionen über die Entscheidungen der internationalen Gemeinschaft hinaus würden dem Prinzip des internationalen Rechts, wie es in der UN-Charta niedergelegt ist, widersprechen»,

erklärte das russische Außenministerium am 18. Mai 2010. Zit. nach: <http://en.rian.ru/russia/20100519/159070123.html> 11

«Wir wollen mit den Iranern verhandeln», sagte zum Beispiel der UN-Botschafter Frankreichs, Gerard Araud.

Zit. in «New sanctions against Iran agreed on», [http://news.xinhuanet.com/english2010/video/2010-05/19/c\\_13304189.htm](http://news.xinhuanet.com/english2010/video/2010-05/19/c_13304189.htm) 12

Zit. nach: <http://wonkroom.thinkprogress.org/2010/02/16/gas-sanctions-would-hurt-goal-of-targeting-irans-revolutionary-guards/> 13

Zit nach «Daily Telegraph», London, v. 23. Mai 2010: «UN sanctions will hurt ordinary Iranians, says Mousavi»; <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/iran/7756576/UN->

sanctions-will-hurtordinary-  
Iranians-says-Mousavi.html

Zit. in BBC News vom 4. März 2010; 14  
[http://news.bbc.co.uk/go/pr/fr/-/2/hi/middle\\_east/8549183.stm](http://news.bbc.co.uk/go/pr/fr/-/2/hi/middle_east/8549183.stm) 15 Abolhassan Bani-Sadr: «To bash them is to help them»; in: International Herald Tribune v. 10. März 2010. 16 Zum Beispiel empfahl die erzkonservative Zeitung Keyhan vom 12. Februar «to plan for acquiring the knowledge and the ability to produce nuclear weapons which are necessary for the preparation of the next phase in the future battlefield.» Zitiert in: Takeyh, Ray. Hidden Iran, New York 2006, p. 150. 17 Vgl. u. a. James Lindsay and Ray Takeyh: After Iran Gets the Bomb; in Foreign Affairs, März/April 2010. 18 Zit. in: AP News vom 26.2.2010, Robert Burns: «Israeli defense chief doubts Iran would use a nuclear weapon against Israel». 19 Zit. in: International Herald Tribune v. 15. März 2010; David E. Sanger: «Containing Tehran in a new nuclear age». 20 Zit. in: AP News v. 27. Oktober 2009, Robert Burns: Analysis: «US making plans for Iran nuke strategy»; vgl. auch: Bertram, Christoph: Partner, nicht Gegner. Für eine andere Iran-Politik. Edition Körber-Stiftung, Hamburg 2008. 21 Vgl. New York Times, 30. Januar 2010; David Sanger und Eric Schmitt: «U.S. Speeding Up Missile Defenses in Persian Gulf». 22 Ebd. 23 Vgl. Flynt Leverett/Hillary Leverett: «Another Iranian Revolution? Not Likely»; in: New York Times, 5. Januar 2010. 24 International Herald Tribune v. 16.5.2010: «US is said to expand use of covert action». 25 Ebd. .26 S. oben Kapitel 2

Thomas Pickering/William Luers/James Walsh: «A Solution for 27  
the US-Iran Nuclear  
Standoff», New York Review of Books, Vol. 55, No. 4, 20  
März.2008. Vgl. auch James  
Walsh: «Multilateralizing Iran's fuel cycle: The viable policy  
option»; in: BICC-Occasional  
paper: «New Chances for a Compromise in the Nuclear Dispute  
with Iran?», März  
2009. 28 Islamic Republic of Iran. 2006. «Islamic Republic of  
Iran's Response to the  
Package Presented on 6 June 2006,» p. 2. 29 Vgl.: «Results of  
a New Nationwide Public  
Opinion Survey of Iran before the June 12, 2009 Presidential  
Elections», Question 13 d;  
durchgeführt von: Terror Free Tomorrow (The Center for Public  
Opinion («TFT»), the New  
America Foundation, and KA Europe SPRL ). 30 Vgl. oben,  
Anmerkung 16. 31 Vgl. oben,  
Anmerkung 32.

10

9